

تأمل

رابطه قانون و امنیت ملی از منظر حضرت امام خمینی (ره)

➤ روح‌الله صفریانی

کارشناس معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری

دو رکن اساسی که تمام حکومت‌ها سعی در برآوردن آن دارند، «امنیت» و «رفاه» است. امروزه در کنار تأکید بر جنبه سخت‌افزاری امنیت ملی، جنبه نرم‌افزاری امنیت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. حضرت امام خمینی(ره) به عنوان یک مصلح و رهبر سیاسی به جنبه سخت‌افزاری و جنبه نرم‌افزاری امنیت ملی توجه ویژه‌ای داشته‌اند.

حضرت امام خمینی(ره) مؤلفه‌های اصلی حفظ امنیت ملی را نرم‌افزاری و در مباحثی چون ولایت فقیه، اسلامیت نظام، مردم، احزاب و تشکلهای سیاسی، رعایت اصل استقلال، دولت اسلامی و التزام به قانون می‌دانستند.^(۱) بنابراین حضرت امام(ره) در نگاه به امنیت ضمن توجه به جنبه سخت‌افزاری و قدرت نظامی، نگاه نرم‌افزاری و جدید هم داشته است. بدین ترتیب امام خمینی(ره) علاوه بر ابعاد و دستاورد مادی امنیت به دستاورد معنوی و تأثیر آن در سعادت اخروی انسان هم توجه دارد. در دیدگاه امام خمینی(ره)، امنیت از لحاظ معنوی هم بعد سلبی دارد و هم بعد ایجابی. به لحاظ سلبی، امنیت بسا نفی تهدیدات تعریف می‌شود. ابعاد سلبی امنیت دارای جنبه‌های مختلفی است. این جنبه‌ها از درون فرد شروع می‌شود و به سطح اجتماع کشیده می‌شود. بعد ایجابی نیز چنین است. هریک از ابعاد سلبی و ایجابی، ابعاد باطنی و ظاهری دارد. از نظر ایشان، امنیت روحی که از طریق سازندگی روحی ایجاد می‌شود، مقدم بر همه امنیت‌هاست. اِزْجاء تأمین امنیت مذکور این است که هر انسانی با شیطان باطنی خود جهاد کند. این جهاد، منشأ همه جهادهایی است که مولد سطوح و لایه‌های امنیتی بعدی واقع می‌شود. انسان تا خودش را نسازد، نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، کشور ساخته نمی‌شود.^(۲) ایشان باتوجه به همین نگاه یعنی نگاه نرم‌افزاری و مطرح شدن ارزش‌ها و اصول و اعتقاد در زمینه امنیت نگاه فراملی و اعتقادی به امنیت در قالب امت را هم مطرح کرده است. بنابراین باید گفت که در اندیشه حضرت امام خمینی(ره) امنیت هم جنبه فردی و اجتماعی و هم جنبه ملی و فراملی دارد و به نوعی بین آنها پیوند برقرار است.

از طرفی دیگر، قانون فراهم کننده نظم و انضباط و حق و تکلیف و ایجاد توافق بین افراد است. حضرت امام خمینی(ره) می‌فرمایند: همه روی مرز قانون عمل نکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل نکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید. ایشان حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مبتنی بر قانون و عدل الهی دانسته و به اعتقاد ایشان، همه در سایه قانون به امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدم بردارد.^(۳)

از نظر حضرت امام خمینی(ره) قانون اساسی جمهوری اسلامی مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی در جامعه ایران و براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی به شمار می‌رود و پیروی از اصول چنین قانونی برعهده همگان است.^(۴) حضرت امام(ره) شرط دوام و پایداری جامعه را پیروی از قانون دانسته است چنان که می‌فرمایند: همه باید مقید به این باشند که قانون را بپذیرید ولو برخلاف رأی شما باشد. باید بپذیرید برای این که میزان اکثریتی است و تشخیص شعور این نهمگان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام نیست. میزانی است که همه باید بپذیریم. من که یک طلبه هستم، ممکن است با بسیاری از مخالفها باشم لکن وقتی قانون شد، خوب ما هم می‌پذیریم.^(۵)

بنابر نظر امام خمینی(ره) حکومتی واجد امنیت پایدار است که مبتنی بر قوانین و احکام متکی بر رأی مردمی باشد. لذا از دید حضرت امام خمینی(ره)، قانون با ترسیم و تنظیم قواعد و حیطه اختیارات حکومت و افراد برطررف کننده تعارضات و برقرارکننده توافق و تعادل است که این خود فراهم‌کننده امنیت پایدار در جامعه است.

➤ **منابع:**
در دفتر روزنامه موجود است.

تلفن گروهِ اندیشه: ۸۸۷۶ ۱۲۵۷

editorial@iran-newspaper.com

قرائت نواندیشانه از دین جلوه‌ای از اندیشه ناب امام(ره) بود

خط قرمز حضرت امام خمینی(ره) در نواندیشی دینی، خروج از فقه و آموزه‌های مسلم دینی است

و محیطی معاصر است. تاریخ اسلام همواره حضور چنین نواندیشانی را در دامان خود داشته‌است، اما در روزگار معاصر ما، بی‌تردید یکی از بزرگانی که می‌توان او را در زمره پیشگامان نواندیشی دینی قلمداد کرد، بی‌شک حضرت امام خمینی(ره) است.

نواندیشی‌دینی حضرت امام خمینی (ره)، در واقع نوعی نوآوری

■ **جستی مفهوم «نواندیشی»**
شاید نتوان برای «نواندیشی» تعریف مصطلحی را از یک فرهنگ لغت استخراج کرد. «نواندیشی»؛ نوآوری و خلاقیت در اندیشه‌ورزی است، به تعبیری دیگر، معطوف کردن اندیشه به زمان و موقعیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی است. بر این اساس، «نواندیشی» چیزی جز خصلت طبیعی اندیشه‌ورزی؛ یعنی تفکر معطوف به شرایط و وضعیت فعلی و طبیعی در هر روزگاری نیست. در مقابل مفهوم «نواندیشی» می‌توان از «ارتجاع فکری» یا به تعبیری «بستان‌کاوی اندیشه» سخن گفت که معمولاً در ادبیات ما این اصطلاح با بار معنایی منفی همراه است، در حالی که «نواندیشی» بار معنایی مثبتی در فرهنگ واژگان ما دارد.



➤ **دکتر مه‌راب صادقی‌نیا**

عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

■ **تعریف «نواندیشی دینی»**

در تعریف «نواندیشی‌دینی» شاید بتوان دو معنا را استخراج کرد؛ نخست نواندیشی دینی مبتنی بر متون دینی است، که در این سبک مشخصاً مراد؛ نصوص اولیه دین، یعنی قرآن و روایات است. در این سطح، نواندیشی دینی نوعی اندیشه‌ورزی مبتنی بر متون دینی است و رهیافت و درک تازه‌ای از نصوص دینی ارائه می‌کند که خصلت این درک تازه سازگاری با شرایط، فرهنگ، نیازهای اجتماعی و نیازهای طبیعی انسان در روزگار معاصر است. در برابر نواندیشی دینی نیز می‌توان از نوعی «واپس‌گرایی دینی» یا «ارتجاع دینی» سخن گفت؛ یعنی قرائتی از دین که سازگار با شرایط بیرونی و نیازهای زمانه نباشند. در معنای دیگر، «نواندیشی دینی» عبارت از اندیشه‌ورزی نویی است که نصوص دینی، آن را تأیید کنند؛ به این معنا که مخالفت با نصوص دینی نداشته باشد. اما مادامی که از نواندیشی دینی سخنی به میان می‌آید اغلب معنای نخست آن مراد است.

■ **تفسیر نواندیشی دینی در نگاه حضرت امام خمینی(ره)**

در طول تاریخ اسلام همواره بزرگانی بوده‌اند که می‌توان آنها را در شمار نواندیشان دینی قلمدادکرد. این افراد همواره تلاش کردند که درکی نو و قرائتی تازه از دین ارائه کنند که قرائتی نامسازگار با سنت نیز نیست؛ یعنی قرائتی از دین که معطوف به شرایط اجتماعی



➤ **دکتر سید سجاد ایزدهی**

مدرس خارج فقه حوزه علمیه قم

شناخت «حکومت اسلامی»

و تمایز آن با سایر نظام‌های سیاسی،هموارهازموضوعاتمورد بحث‌اندیشمندان علومسیاسیو تحلیلگران علوماجتماعی بوده است. گرچه با وجود برخورداری همه حکومت‌ها از ویژگی‌های مشابه می‌توان به تمایز بسیاری میان حکومت‌اسلامی و نظام‌های غیردینی اشاره کرد، ولی تمایز این دو، در «غایات» و «اهدافی» که برای حکومت در نظر می‌گیرند، بسیار برجسته‌تر می‌شود.

حکومت‌های سکولار در عصر حاضر بویژه نظام‌های لیبرال -دموکراسی، اهداف حکومت و به تبع کارکردهای آن را به اموری چون رفیع نیازهای مادی شهروندان و تأمین رفاه آنان محدود می‌کنند. و اصولاًوظیفه حکومت‌ها را در محدوده نظم عمومی، رفع نزاع‌های احتمالی، تضمین آزادی‌های سیاسی، تأمین رفاه مطلوب مادی و ایجاد بستری برای برخورداری مساوی همگان از امکانات جامعه، معنا می‌کنند. در این نظام‌های سیاسی، چون حاکمان، منتخب و برگزیده مردم برشمرده می‌شوند و مشروعیت حکومت در گرو رأی و نظر مردم است، لذا حاکمان تنها وکیل مردم محسوب شده و اهداف حکومت نیز، تنها در محدوده خواست و اراده مردم محدود می‌شود.

از سوی دیگر، حکومت‌های دینی که ارزش حکومت را نه در ذات آن، بلکه در گرو کارکردها و تحقق اهداف دین و ارزش‌های فرامادی در جامعه از سوی حکومت، می‌دانند از این رو، با رد نظریه «دولت حداثی»، علاوه بر غایات نظام‌های سکولار در رفع نیازمندی‌های مادی شهروندان، حجم وسیعی از غایات مرتبط با اموری چون خیر، سعادت، اخلاق و معنویت شهروندان جامعه را که در نظام‌های غیردینی، از قلمرو اهداف و وظایف دولت خارج، و به حریم خصوصی افراد مرتبط دانسته می‌شود، بر عهده می‌گیرند

■ **ارزش حکومت در گرو تحقق اهداف دین**

جدا از فهم اهداف نظام‌های سیاسی و تمایز آن با نظام سیاسی اسلام، آنچه باید مدنظر قرار گیرد، این است که تشکیل حکومت در نظام اسلامی، از ارزش ذاتی برخوردار نیست بلکه ارزش آن در گرو تلاش در ایجاد اهدافی است که در روایات اسلامی مورد توصیه قرار گرفته‌است.

حضرت امام خمینی(ره) در کتاب «ولایت فقیه»، ضمن اینکه حکومت را نه از غایتی مطلوب، بلکه وسیله‌ای به جهت تحقق هدف‌های عالی دانسته، فصلی مجزا را به اهداف و غایات حکومت اسلامی اختصاص می‌دهد و در آن، به سیره ثابت‌ه اولیای الهی و به طور خاص، به عبارت امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه اشاره می‌کندبر اساس دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)، درحالی که حکومت‌های کفر از حاکمیت، نفوذ سیاسی و جعل قوانین خاص، به جهت کارمروایی خود سوءاستفاده می‌کردند، هدف از حکومت اسلامی در لسان امیرالمؤمنین(ع) احقاق حق و از بین بردن باطل برشمرده شده و بر این اساس، ائمه اطهار(ع) و فقیهان را در راستای برقراری احکام الهی، و موضوع ولایت فقیه، مأموریت و انجام این وظایف است.

پس، نفس حاکم شدن و فرمانروایی وسیله‌ای بیش نیست، و برای مردان خدا اگر این وسیله به کار خیر و تحقق هدف‌های عالی نیاید، هیچ ارزش ندارد. نخست وزیر شوروی یا انگلیس و رئیس جمهوری امریکا درحالی که نفوذ سیاسی دارند؛ و این حکومت و نفوذ و اقتدار سیاسی را وسیله کارمروایی خود از طریق اجرای قوانین و سیاست‌های ضدانسانی می‌کنند. ائمه و فقه‌های عادل موظف‌اند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند(امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۵)

■ سال بیست ویکم ■ شماره ۵۹۴۲ ■ یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۴

دینداران و برخی از علمای دین نیز شاید باورشان شده‌بود که دین قدرت اداره جامعه را ندارد و دین باید گوشه مسجد باشد، اندیشه حضرت امام خمینی(ره)، دین را به عرصه اجتماع آورد و به گونه‌ای آشکار نشان‌داد که دین هنوز در قرن بیستم قدرت بسیج مردم را دارد و می‌تواند آنها را به اعتراض علیه سطه و استبداد دعوت کند. حضرت امام خمینی(ره) در نهایت تبیین کرد که دین می‌تواند به گونه‌ای تعریف شود که از دل آن حکومت و ایدئولوژی دینی برخیزد و بتواند حکومت کند و علاوه بر این ساختار اقتصادی، امنیتی، بهداشتی و آموزشی جامعه را تعریف و اداره کند.به اعتقاد هم جلوه‌ای از اندیشه ناب امام خمینی(ره) در نواندیشی دینی در همین نکته است. براین باورم که حضرت امام خمینی(ره) نمونه بارز یک نواندیش دینی، در روزگار معاصر ما است. کسی که توانست از دین قرائتی را ارائه دهد که براساس آن بتوان انقلاب کرد، قدرت را در دست گرفت، جامعه را اداره کرد و در جهان مدرن به واسطه آن به گفت‌وگو نشست.

■ **خطوط قرمزحضرت امام خمینی(ره) در بحث نواندیشی دین**

اما «نواندیشی‌دینی» هرگز به معنای درک و خوانش دلخواهانه از دین نیست و نمی‌توان هر قرائتی را نواندیشانه خواند. این در حالی است که همواره در طول تاریخ افرادی بوده‌اند که به تصور نواندیشی دینی، اصول اولیه اسلام را زیر پا گذاشته و بدیهیات آن را انکار کرده‌اند. حضرت امام خمینی(ره) نواندیش دینی‌ای بود، یا از نواندیشی دینی‌ای دفاع می‌کرد که کاملاً مبتنی بر «فقه جواهری»، «شیعی»، «امام صادقی» و «امام باقری» بود. به عبارتی، خط قرمز حضرت امام خمینی(ره) در نواندیشی دینی، خروج از فقه و آموزه‌های مسلم دینی و شیعی بود و معتقد بودند که عنصر «زمان» و «مکان» از نمی‌توان از فقه جدا کرد و مراد ایشان «فقهی پویا» بود؛ فقهی که پاسخگوی مسائل جاری و نیاز امروز جامعه ما باشد. این در حالی است که سیره حضرت امام خمینی(ره) نیز گواهی بر همین امر است.

■ **لزوم استمرار قرائت نواندیشانه از دین**

جریان فکری‌ای که حضرت امام خمینی(ره) آغاز کرد، تنهامحدود به شخص ایشان نیست هر چند که بر تفکر ایشان اتکا دارد. حضرت امام خمینی(ره) شاگردان بسیاری را پرورش دادند و شاگردان ایشان نیز طیف گسترده‌ای را مورد تعلیم قرار دادند و اساساً این اندیشه، «اندیشه سیالی» است که در روزگار معاصر همچنان ادامه دارد. شاگردان حضرت امام خمینی(ره) و شاگردان شاگردان ایشان همواره این مسیر را دنبال می‌کنند و نمونه بارز آن رهبر معظم انقلاب است که از اسلام قرائتی ارائه می‌دهند که در سطح جهان علاقه‌مندان بسیار دارد و روز به روز نیز در حال توسعه است.



اجتماعی، رفاه عمومی، احقاق حق، مقابله با دشمنان و... مورد انکار نیست، لکن دین اسلام، به این مقدار از کارویژه‌ها (به عنوان حداقل‌هایی است که حکومت‌ها باید در جامعه به اجرا درآورند) اکتفا نکرده بلکه نصوص دینی، کارویژه‌های مختلفی را برای حکومت برشمرده‌است که شناخت آن، حکم به تمایز حکومت دینی نسبت به حکومت‌های سکولار می‌دهد که از آن میان می‌توان به بازگرداندن نشانه‌های از بین رفته دین در جامعه و اجرای حدود به جهت تحقق شریعت در جامعه اشاره کرد.

«خدایا تو آگاهی آنچه از ما صادر شده نه برای میل و رغبت در سلطنت و خلافت بوده و نه برای به‌دست آوردن چیزی از متاع دنیا، بلکه برای این بود که آثار دین تورا باز گردانیم و در شهرهای تو اصلاح و آسایش را برقرار نماییم تا بندگان ستم‌کشیدهدات در امن و آسودگی بوده و احکام تو که ضایع مانده جاری گردد».(نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱)

با عنایت به این قضیه‌است که حضرت امام خمینی(ره)،موقوله حکومت را که در جهان معاصر بلکه در طول تاریخ تنها به اداره ابعاد مادی مردم پرداخته و تدبیر شئون زندگی مادی را مورد اهتمام خود قرار داده‌است به حوزه وسیع‌تری وارد کرده و غرض و غایت آن را به اقامه عدل، معرفت خداوند و اسلام و تلاش در رساندن انسان‌ها به کمال و سعادت معرفی کرده است: تمام چیزهایی که انبیا از صدر خلقت تا حالا داشتند و اولیای اسلام تا آخر دارند، معنویات اسلام است، عرفان اسلام است، معرفت اسلام است، در رأس همه امور این معنویات واقع است. تشکیل حکومت برای همین است، البته اقامه عدل است، لکن غایت نهایی معرفی خداست و

عرفان اسلام، ع ۲۰، ص ۲۹۸)

ج) اجرای احکام شریعت

در حکومت اسلامی که تفاوت و تمایز آن، در عمل به آموزه‌های وحیانی و تعلیم اسلامی است، غرض از حکومت، عمل به این آموزه‌ها بلکه تحقق آن در عرصه اجتماع و جامعه کلان است. از این رو، باید توجه آموزه‌های اسلامی و شریعت را از مجوری‌ترین اهداف حکومت دانست و طبیعتاً مبارزه با حاکمان طاغوت نیز باید از باب مقدمه‌ای جهت نیل به تشکیل حکومت اسلامی مورد عنایت قرار گیرد: «ملت ایران و ما، مقصدما این نیست و نبود که فقط محمدرضا باشد، دست آمده‌ای ما این نبود که رژیم سلطنتی برود... و مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند؛ دین حق را در عالم منتشر کنند ... مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند، حکومت حکومت قرآن باشد؛ حکومت اسلام باشد» (همان، ج ۳، ص ۴۰۰-۳۹۸)

تحقق اسلام و آموزه‌های شریعت در کشور اسلامی گرچه از اهداف نظام اسلامی محسوب می‌شود، ولی باید آن را هدفی میان مدت ارزیابی کرد و در راستای هدفی بزرگ‌تر یعنی دعوت جهانیان به دین حق و انتشار توحید در همه نقاط عالم به حساب آورد. بدیهی‌است تحقق این امر، جز به تشکیل حکومتی مبتنی بر اسلام و آموزه‌های قرآنی در کشور اسلامی به مثابه «الم فتری» میسر نخواهد شد. و صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورها را نیز باید در این راستا ارزیابی کرد: «مع ذلک این نهضت چون یک نهضت الهی بود...مسئله اساسی ما این نبود که رژیم سلطنتی برود... و مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند؛ دین حق را در عالم منتشر کنند ... مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند، حکومت حکومت قرآن باشد؛ حکومت اسلام باشد» (همان، ج ۳، ص ۴۰۰-۳۹۸)

بدیهی است موارد برشمرده شده برای اهداف نظام اسلامی، بخشی از مجموعه مؤلفه‌هایی است که در این راستا می‌توان از آنها یاد کرد و از آن جمله می‌توان به دفاع در مقابل دشمنان و متجاوزین به نواپس مسلمانان و کشور اسلامی و رفع اختلافات در داخل نظام اسلامی، اشاره کرد که در منطق و کلام حضرت امام خمینی(ره) قابل ردیابی بوده و به عنوان یکی از اهداف نزدیک تشکیل حکومت و نهادهای اجرایی به شمار می‌رود:

عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر ما به هجوم آوردند بتوانیم جلوگیری کنیم، اگر به نواپس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم. شرع مقدس هم دستور داده که باید همیشه در برابر اشخاصی که می‌خواهند به شما تجاوز کنند برای دفاع آماده باشید. برای جلوگیری از تعدیات افراد نسبت به یکدیگر هم حکومت و دستگاه قضایی و اجرایی لازم است.(امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۰)